

درباره نخستین فرعی خیابان ۱۷شهریور که روزگاری بخشی از خندق دور شهر بوده است

«گودال»، نوترین کوچه بافت قدیم شهر



خانه ای قدیمی در کوچه گودال



تابلوی ایستای کوچه از سمت ۱۷شهریور



فرودی کوچک گودال از سمت کوچه شهید عاشقی

خیابان ایجادشده پس از حذف دیوار بهره، منشعب می شدند، اغلب همان کوچه‌های کهن شهر بودند که بعدها به خیابان های جدیدی چون کاشانی و بولوار وحدت متصل و از کوری و بن بست بودن خارج می شدند.امادراین بین کوچه‌های جدیدی نیز متولد شدند. این کوچه های جدید در جغرافیای فعلی شهر

اغلب در حدفاصل تقاطع بولوار امیرالمؤمنین^(ع)، بولوار وحدت تا میدان ۱۷شهریور کنونی ایجاد شدند. از آخرین و جدیدترین این کوچه ها، فرعی ۱۷شهریور شمالی یک یا کوچه «گودال»،است که اندکی بعد از میدان پنجره قدیم و شهدای گوهرشاد کنونی قرار دارد.

اسامی کوچه گودال در طول زمان

کوچه ۱۷شهریور شمالی یک، هرچند عمر زیادی ندارد و در بهترین حالت، عمر حضور آن در جغرافیای شهری مشهد به هفتادسال می‌رسد، اسامی مختلفی به خود دیده است. قدیمی ترین نامی که برای معرفی این کوچه در اسناد به کاررفته است و ساکنان قدیم کوچه هنوز هم آن را به همان نام می‌شناسند، کوچه «گودال» است. برابر روایت اهالی محل، چون این کوچه در قدیم نسبت به سایر کوچه های این محدوده گودتر بوده، نام گودال بر آن ماندگار شده است. دیگر نامی که برای این کوچه در برخی از نقشه های قدیمی مشهد ثبت شده، «کوچه هشت متری» است و گویا این نام هم به خاطر عرض هشت متری کوچه در ابتدای ایجاد، به آن داده شده است. البته در وضعیت امروز، عرض کوچه کمتر شده است.

ناگفته نماند، ساخت مسجدی در بحبوحه فعالیت های مبارزات انقلابی علیه رژیم پهلوی و بهره برداری از آن در همان زمان، سبب افزوده شدن سه نام دیگر به فهرست اسامی این کوچه شده است. برخی به اختصار از این کوچه به عنوان «هشت متری مسجد» یاد می کنند و برخی هم آن را به نام «مسجد کوچه» یا کوچه «مسجد امام خمینی^(ع)» می‌شناسند، اما انتخاب نام «۱۷شهریور» برای حدفاصل دو میدان «شهدای گوهرشاد» و «۱۷شهریور» و بالطبع استفاده از این نام برای فرعی های خیابان مورد نظر هم سبب نصب ابتدا تابلوی ۱۷شهریوریک و سپس تابلوی ۱۷شهریور شمالی یک شد، سرانجام اتصال این کوچه از طریق آخرین پلاک های غربی به کوچه شهید محمد عامل نیز نصب تابلوی شهید محمد عامل ۱۱ را در انتهای این کوچه در پی داشت.



تنها خانه سرسبز کوچه گودال

روزگار کوچه گودال پس از انقلاب اسلامی

نخستین تغییر کوچه گودال در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرتبط شدن آن با شبکه کوچه های محدوده عیدگاه (از جهت غربی) است. پس از این، کوچه با تغییر ساختاری خاصی روبه رو نمی شود، تنها تعداد ی از قدیمی های کوچه که اغلب از کسبه محدوده پنجره بوده اند، به دلیل شرایط مالی مناسب، راهی مناطق دیگر شهر می شوند، اما در همین دوران است که اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر (موسوم به طاش) مانند صاعقه‌ای بر این کوچه نازل می شود و امکان زندگی عادی در این کوچه را مختل می‌کند. پس از این است که بسیاری از ساکنان قدیم و جدید کوچه، واحدهای مسکونی خود را رها می‌کنند و در سایر نقاط شهر سکنی می‌گزینند. این مسئله کوچه گودال را به وضعیت امروزش –که مجموعه‌ای از خانه های مخروبه و فاقد سکنه است- تبدیل می‌کند.

کتابخانه‌ای که پس از ساعت اداری تعطیل می‌شود

زینبی! احتمالاً به همین راحتی نتوان از جزئیات نحوه اداره کتابخانه آستان قدس رضوی و چگونگی استفاده مراجعان به آن گزارشی یافت و به نتیجه‌ای رسید. این ماجرا را حداقل تا قرن اخیر نمی‌توان ردیابی و درباره‌اش صحبت کرد، اما اخبار روزنامه‌ها در سال ۱۳۲۶ خورشیدی نشان می‌دهد که در دوره پهلوی سازگار کتابخانه معلوم و نظام یافته بوده و معمولاً صبح‌ها درهای این مکان به‌روی مراجعه‌کنندگان آن گشوده می‌شده است. البته باید بداند طبق قرائن تاریخی و برخی وقف‌نامه‌ها، تاریخ تأسیس کتابخانه به حدود ۱۲۰۰ سال پیش بازمی‌گردد و طی قرن‌ها، این بنا بارها دچار تغییرات شده است. در سال ۱۳۱۶ خورشیدی مقدماتی برای ساخت صحن موزه در فضای جنوب شرقی حرم امام و بنا شد در این صحن، موزه و کتابخانه‌ای جدید تأسیس شود. پس از هشت سال کار عمرانی، در نهایت در سال ۱۳۲۶ خورشیدی ساختمان جدیدی برای کتابخانه در حرم

آن بی نظیر و مورد استفاده عموم و شاید بعضی از آن هاد بزرگ‌ترین کتابخانه‌های دنیا نباشد، فقط فقط مورد استفاده زوار و مسافرین است

که برای مدت کوتاهی در مشهد متوقف و وقت یا سواد آن را ندارند که از گنج‌های گران بهای کتابخانه استفاده کنند و کارمندان ادارات دولتی و بنگاه‌هایی که ساعت کار آن‌ها با کار کتابخانه آستانه یکی است از این فیض

کوچه گردی

کوچه گودال در دوران پهلوی ها

تا اواسط دهه ۳۰ قرن ۱۴ خورشیدی خبری از کوچه گودال، به عنوان یک مسیر مستقل شهری، وجود ندارد. نخستین ردپای این کوچه را می‌توان در نقشه ۱۳۳۳ خورشیدی مشهد پیدا کرد. در این نقشه، کوچه گودال از طرف شمال باکمک یک کوچه فرعی به کوچه باغ حسن خان وقت راه پیدایم کرده است. نقشه سال ۱۳۴۵ شهر (منتشر شده در کتاب مشهد طلوس) را می‌توان نخستین نقشه‌ای دانست که در آن، کوچه گودال به‌طور کامل ترسیم شده است. به عبارت بهتر و با استناد به دو نقشه ذکر شده می‌توان مدعی شد که کوچه گودال در بازه زمانی بین ترسیم و انتشار این دو نقشه (۱۳۳۳ تا ۱۳۴۵) به جغرافیای شهری مشهد افزوده شده است. این مسئله باعث می‌شود سن کوچه گودال بین شصت تا حداکثر هفتاد سال تخمین زده شود که خود بیانگر جوان بودن کوچه است و براین اساس آن را باید یکی از جدیدترین کوچه‌های بافت قدیم شهر لقب داد.



نمای ابتدای کوچه از سمت ۱۷شهریور

چهره‌های شاخص کوچه گودال

شاخص‌ترین چهره مرتبط با این کوچه (از ابتدای شکل‌گیری تاکنون) کسی جز واقف یگانه مسجد آن نیست؛ «حاج مؤمن علیخان زاده، زغال فروش ختری بوده که در سال‌های میانه دهه ۵۰ زمین خود را در این کوچه به مسجد تبدیل می‌کند و به این شکل، نام خود را برای همیشه در تاریخ با این کوچه‌گره می‌زند. همچنین «حاجی کارگزیناد»، عضو فعال هیئت امنای مسجد، از دیگر چهره‌های قدیمی این کوچه محسوب می‌شود. «خاندان برومند» را –که به نوعی گردانندگان هیئت مذهبی مسجد بوده‌اند و هستند- هم باید به عنوان دیگر خانواده قدیمی این کوچه در نظر گرفت. «خاندان مهدوی» (که بزرگ آنان روزگاری در حاشیه خیابان ۱۷شهریور به فروش کنده چوب مشغول بوده است) نیز از افرادی هستند که به‌رغم فوت مهدوی بزرگ، پلاکی چند از این کوچه را در تملک دارند. وضعیت خانواده «عملی» هم تا حد بسیاری شبیه به خاندان مهدوی است و هنوز ردپایی از آنان در کوچه دیده می‌شود. خاندان «حیدری» را (که روزگاری ساکن کوچه بوده‌اند و اکنون بزرگ آنان یکی از مغازه‌های حاشیه خیابان مشرف به کوچه را در اختیار دارد و از گردانندگان مسجد امام خمینی^(ع) است) هم باید از قدیمی های کوچه گودال دانست. سرانجام باید از «حاجی اساسی» نام برد که هرچند سال‌های حضور خانوادگی اش در این کوچه اندک بوده است، از کسبه قدیم و بزرگان مسجد محل محسوب می‌شود.

ایران نامه

گذری بر تاریخ ایجاد نخستین آزمایشگاه و بیمارستان سل در ایران از رابرت کخ نامسبح دانشوری



کخ چندی پس از این تاریخ، اعلام کرد که می توان همه جانداران را در اثر تلقیح این سرم از امراض مختلف مصون داشت. در سال ۱۹۰۵، کخ به دلیل تلاش در راه گسترش علم و کشف باسیل سل، جایزه نوبل پزشکی را دریافت کرد و دانشمندان آن دوره با تأیید نظرات و تحقیقات پزشکی او، وی را در شمار بزرگ‌ترین کاشفان علم پزشکی قرار دادند.

ناگفته نماند که کخ سفرهای زیادی نیز به آفریقا کرد تا درباره مرض خواب، مالاریا و طاعون تحقیق کند. او در این بازه، دریافت کرد خواب –که هزاران آفریقایی را تا آن روزگار به کام مرگ کشانده بود– در اثر نیش پشه‌ای به نام «تسه‌تسه» منتقل می‌شود.

اماسل و امراض دیگری نظیر طاعون، تنهادر کشورهای آن سوی مرزهای ایران نبود که هر روز قربانی می‌گرفت. بلکه در این دیار نیز این بیماری‌ها امراضی همه‌گیر بودند. برابر پژوهش دکتر ویلم فلور، پژوهشگر معاصر تاریخ دوره قاجار، بیماری سل در تهران این دوره و سایر شهرهای ایران بسیار شایع بوده است. به‌طوری‌که در شروع قرن گذشته، یکی از علل مهم و اصلی مرگ و میر مردم به‌شمار می‌رفته است. این‌گونه است که انستیتوپاستور ایران به‌منظور بهینه‌سازی بخش پیشگیری و درمان در سال ۱۲۹۹ خورشیدی دایر می‌شود.

چندسال بعد و در دوران پهلوی اول، رئیس صحنه مملکتی که زیرنظر وزارت داخله فعالیت می‌کرده است، پیشنهادهایی برای ماهرسل مطرح و اعلام می‌کند که تنها راه پیشگیری از این بیماری، تزریق واکسن «ب‌ث‌ژ» در دهمین روز تولد نوزاد است و تزریق آن باید در یک سالگی و دوسالگی تکرار شود، حتی توصیه می‌شود در انستیتوپاستور ایران، بخش تهیه واکسن «ب‌ث‌ژ» تأسیس شود.

درباره اجرای سراسری چنین پیشنهادهایی در آن زمان، سند و مدرکی در دسترس نیست. اما پس از ورود مفاهیم نوین علمی به پزشکی کشورمان، به‌تدریج پزشکان ایرانی هم درصدد مبارزه با سل برمی‌آیند که دکتر سیاهش شقاقی، دکتر مسیح دانشوری، دکتر صادق پیروز عزیزی، دکتر محمدعلی نشروودی و دکتر مهدی قدسی، از پیشاهنگان مبارزه با این بیماری در ایران هستند. در مشهد هم این مهم در ابتدای دهه ۳۰ و با حضور دکتر سیدموسی حجازی و تأسیس بیمارستان مسلولان رقم می‌خورد.

برابر اسناد موجود، نخستین آسایشگاه مسلولان ایران هم در شاه‌آباد شیرمان دایر می‌شود. شاه‌آباد همان استراحتگاه تابستانی مظفرالدین میرزا، ولیعهد ناصرالدین شاه، است که از کودکی با بیماری‌های مختلف درگیر بوده است. طبیبان در سال ۱۲۷۳ خورشیدی، یکی دو سال پیش از رسیدن به سلطنت، تشخیص می‌دهند که او احتمالاً مبتلا به سل است و باید در جایی خوش آب‌وهوا استراحت کند. پس از بررسی نقاط مختلف تهران، قریه دارآباد برای اسکان مظفرالدین شاه انتخاب می‌شود. در ادامه، علی اصغر خان اتابک اعظم باغ بزرگی را به مساحت ۲۶۰ هزار مترمربع در این روستا می‌خرد و به دستور محمد خان حکیم‌الملک، وزیر دربار، عمارت زیبایی در آن بنا می‌شود که به کاخ شاه‌آباد معروف می‌شود. شاه بیمار بیشتر زمان حکومتش را در این کاخ و کاخ تابستانی صاحب‌قرانیه می‌گذراند. روایت است که پس از مرگ مظفرالدین شاه، کاخ شاه‌آباد در اختیار اداره حفظ الصحه عمومی قرار می‌گیرد و باتوجه به آب‌وهوای منطقه به آسایشگاهی برای بیماران مسلول تبدیل می‌شود. وقایعی چون به‌توب بستن مجلس، فتح تهران، جنگ جهانی اول و کودتای سال ۱۲۹۹ سبب می‌شود کاخ شاه‌آباد بدون استفاده رها شود. سال ۱۳۱۰ یک پزشک نیشابوری الاصل به اسم مسیح دانشوری تصمیم می‌گیرد کاربری این کاخ را تغییر دهد. در آن زمان، سل یکی از بیماری‌های شایع ایران است. به‌ویژه در مناطق محروم.

دکتر دانشوری ابتدا مدرسه پرستاری ویژه‌ای را در کاخ مظفری شاه‌آباد راه‌اندازی می‌کند، اما ایده اصلی او ساخت یک بیمارستان برای کمک به ریشه‌کنی بیماری سل و دیگر بیماری‌های ریوی است. او از بسیاری از اعضای وزارت بهداری و اشخاص خبری چون فخرالدوله امینی، دختر مظفرالدین شاه، دعوت می‌کند که ساختمان این بیمارستان را تکمیل کنند. سرانجام آسایشگاه و بیمارستان مسلولان تهران، ساعت ۵ بعدازظهر روز ۲۴ مرداد ۱۳۱۶ با حضور محمود جم، رئیس‌الوزرا، و حسن اسفندیاری، رئیس مجلس شورای ملی، در شمال کاخ صاحب‌قرانیه تهران با عنوان آسایشگاه شاه‌آباد رسماً افتتاح می‌شود. در ادامه نیز با تلاش‌های دکتر دانشوری و فعالیت آسایشگاه شاه‌آباد، توجه‌ها به بیماری‌های تنفسی از جمله سل جلب می‌شود. در سایه همین توجه‌ها هم هست که «انجمن مبارزه با سل و حمایت از مسلولان» در سال ۱۳۲۳ راه‌اندازی می‌شود تا اعضای آن ضمن حمایت از مسلولان، روش‌های پیشگیری از سل را نیز آموزش دهند. اعضای سی نفره این انجمن برای درمان افراد مسلول، یک مرکز درمانی دیگر به نام «بیمارستان بوعلی» را در تهران تأسیس می‌کنند. در ادامه با گسترش فعالیت‌های انستیتوپاستور در ایران، مبارزه مؤثری علیه بیماری‌های کشنده عفونی مانند هاری، وبا، طاعون و سل آغاز می‌شود و در سال ۱۳۲۶ خورشیدی برای نخستین بار در ایران، واکسن «ب‌ث‌ژ»، زیرنظر دکتر مهدی قدسی تولید می‌شود.

خبر سوخته

یک خبر تلخ واقعی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی مشهد هزار گدا دارد

اردلان ادر بهمن ماه ۱۳۲۷، یعنی دورانی که هنوز از بلای خانمان سوز جنگ جهانی دوم، دوسالی بیشتر نگذشته است و مردم مشهد و دیگر بلاد در مضیقّه مالی به سر می‌برند و بیشترشان با نداری، گذران روزگار می‌کنند، روزنامه آزادی خبری تلخ و عجیب منتشر می‌کند که تیتّر آن، خود گویای همه چیز است؛ «اعزام صد نفر گدا به مشهد». برابر آنچه جریده آزادی منتشر کرده است در این دوران –که مشهد به روایت اخبار مندرج در مطبوعات، زمستان سختی را هم از سر می‌گذرانده است– حدود صد بی خانمان را که در مرکز (تهران) تکدیگری می‌کرده‌اند به گرم خانه مشهد می‌فرستند. این گرم خانه که تنها گرم خانه ایران بوده، در آن زمان زیر نظر آستان قدس رضوی فعالیت می‌کرده است. «طبق خبری که می‌گویند، رادیو روز قبل اعلام کرده است، صد نفر گدا از مرکز برای مشهد ارسال و اعزام داشته‌اند.»

روزنامه آزادی در ادامه این خبر، پای نرسیدن بودجه و ارز دولتی را به میان می‌کشد و به کنایه می‌نویسد: «این‌ها شاء... مبارک است اگر مرکز آزادان ارز دولتی برای کارخانه سیمان و کارخانه قند به خراسان مضایقه نموده است، بحمد... از این سوغات مهم و ارمغان جالب توجه که ارسال صدنفر گدا باشد، مضایقه نکرده است. باز هم جای شکرش باقی است.»

اما نکته‌ای که در خط آخرین خبر آمده است، عمق فاجعه را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که گویا در این دوران، فرستادن متکدیان از سراسر کشور به مشهد، امری دردناک اما طبیعی بوده است. آزادی چنین شرح می‌دهد: «البته مشهد که به ۵ هزار نفر گدا نان می‌دهد، بشود ۵ هزار و ۵۰۰ نفر، چه اشکالی دارد؟! به‌به!»

کتابخانه آستان قدس رضوی -آخر پهلوی دوم